

فلسفه

قسمت دوم

www.ketab.ir



سرشناسه	: نامداری موسی آبادی، مظاهر، ۱۳۶۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: فلسفه: قسمت دوم (محقق دکتری): مؤلف مظاهر نامداری موسی آبادی.
مشخصات نشر	: تهران: سنجش و دانش، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۱۲ ص:، ۲۹×۲۲ س. و.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۲۳۲-۱۹۷-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص: ۱۱۲.
موضوع	: فلسفه -- راهنمای آموزشی (عالی)
رده بندی کنگره	: ۹۹B / ف-۲۲۲ ۲۲ ۱۳۹۲
رده بندی دیویی	: ۱۰۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۲۱۰۰۷۸

فلسفه - قسمت دوم (مطالع دکترا)

مؤلف:	مظاهر نامداری موسی آبادی
ناشر:	انتشارات سنجش و دانش
طراح جلد:	امید خندانی
نوبت چاپ:	اول ۱۳۹۲
تیراژ:	۱۰۰۰ نسخه
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۲۳۲-۱۹۷-۸
قیمت:	۱۰۰۰۰ تومان

نشانی: تهران، میدان انقلاب، خیابان دانشگاه، تقاطع روانمهر، پلاک ۱۲۶

تلفن: ۶۱۲۶-۰۲۱

www.sanjesh.ir

© کلیه حقوق مادی و معنوی چاپ این اثر محفوظ می باشد ©

فهرست مطالب

۶.....	فصل اول: اثبات هستی صانع
۷.....	فصل دوم: صفات صانع تعالی
۲۴.....	سایر صفات
۲۷.....	فصل سوم: افعال صانع
۶۰.....	فصل چهارم: پیامبری
۶۸.....	فصل پنجم: امامت
۷۶.....	فصل ششم: معاد ، وعد و وعید
۸۸.....	نمونه سوالات فصل اول
۸۹.....	نمونه سوالات دوم
۹۹.....	نمونه سوالات سوم
۱۱۰.....	پاسخنامه اول
۱۱۰.....	فصل دوم
۱۱۰.....	فصل سوم
۱۱۲.....	منابع و مأخذ



فصل اول: اثبات هستی صانع

الموجود ان كان واجبا ولا استلزمه، لاستحاله الدور والتسلسل

موجود اگر واجب باشد (مطلوب ما ثابت است) وگرنه (ممکن است) و مستلزم واجب خواهد بود. بخاطر محال بودن دور و تسلسل.

دلیل بر وجود خداوند این است: که در خارج ضرورتاً موجودی تحقق دارد. پس اگر آن موجود واجب باشد مطلوب ما ثابت است. زیرا می‌خواهیم ثابت کنیم که در عالم هستی واجب الوجودی تحقق دارد. و اگر ممکن باشد، آن موجود ممکن بالضرورة نیازمند علت و موثر است. پس آن علت و موثر اگر واجب باشد مطلوب ما ثابت است و اگر ممکن باشد، تسلسل و یا دور لازم می‌آید که محال است.

این استدلال، برهانی لم است (سیر از علت به معلول) که در قرآن کریم ضمن آیه (اولم یکف بربک انه علی کل شی شیهید) به آن اشاره شده است.

متکلمان هم در اثبات واجب گفته اند: عالم حادث است (ابتدا نبوده و سپس بوجود آمده است) پس باید پدید آورنده ای داشته باشد، اگر آن پدید آورنده خود نیز حادث باشد آن حادث نیز خود نیاز به پدید آورنده ای دارد. و اگر به موجودی قدیم نرسیم، دور یا تسلسل بوجود می‌آید که محال است. و اگر آن پدید آورنده قدیم باشد مطلوب ما ثابت میشود زیرا قدیم بودن مستلزم واجب بودن است.



فصل دوم: صفات صانع تعالی

۲-۱- صانع تعالی قادر است

« الثانی فی صفاته . وجود العالم بعد عدمه ینفی الایجاب »

فصل دوم در مورد صفات صانع است . هستی این عالم پس از نیستی آن ، موجب بودن خداوند را نفی می کند . مولف پس از اثبات هستی صانع ، به بیان صفات او می پردازد و در بین صفات از صفت قادر بودن (یعنی فاعل مختار بودن در برابر فاعل موجب) شروع می کند . دلیل بر قادر بودن خداوند چنین است که : گفتیم که عالم حادث است . و اگر علت پدید آورنده آن فاعل موجب (مجبور) باشد لازم می آید که یا آن علت حادث باشد ، یا آنکه عالم قدیم باشد و تالی با هر دو قسمش باطل است پس مقدم هم که فاعل موجب بودن واجب است نیز باطل است . بیان ملازمه این چنین است که اگر موثر (فاعل) موجب باشد هرگز اثرش از او تخلف نمی کند . (یعنی هر وقت که موثر موجب تحقق داشته باشد معلول او نیز لامحاله محقق می شود و تخلف معلول از علت موجب نیز محال است) و این امر مستلزم یکی از دو امر است که :

۱- قدیم بودن عالم ، درحالیکه ما فرض کردیم عالم حادث است

۲- حادث بودن علت پدید آورنده عالم ، که مستلزم تسلسل است .

پس هر دو امر محال است و معلوم می شود که علت پدید آورنده عالم (واجب) قادر و مختار است و موجب نیست .

پس از بیان دلیل مولف به بیان اشکالات وارده و پاسخ آنها می پردازد .

۲-۱-۱- رد اشکال اول :

قال : والواسطه غیر معقوله

اشکال اول چنین است که : شما می گوئید موثر و علت پدید آورنده عالم مختار است و این را اثبات می کنید ، اما اثبات نمی کنید که خداوند فاعل مختار است . بلکه این احتمال باقی است که خداوند لذاته و به نحو ایجابی معلولی را پدید آورده باشد و آن معلول پدید آورنده عالم به نحو اختیاری باشد . (طبق این فرض ، واجب ، قدیم و فاعل موجب است و عالم حادث است و صادر اول (معلولی بی واسطه واجب) واسطه در آفرینش عالم است.)

پاسخ این اشکال این است که : در این اشکال ، واسطه ای میان خداوند و موجودات فرض شده است. و این غیر معقول و باطل است. زیرا گفتیم هر چه غیر از خداست حادث است، و واسطه نیز غیر خداست و حادث است و حال آنکه طبق آنچه در اشکال آمده، واسطه باید قدیم باشد.

۲-۱-۲- رد اشکال دوم :

قال و يمكن عروض الوجوب والامكان للآثر باعتبارين

امکان دارد نسبت وجوبی و نسبت امکانی ، هریک به اعتباری خاص ، برآثر عارض شوند.

اشکال دوم چنین است که علت پدید آورنده از دو حال بیرون نیست :

۱- یا همه جهات موثر بودن را دارد. (همه شرایط صدور فعل در آن محقق و همه موانع منتفی است)

۲- یا همه جهات موثر بودن را ندارد

در فرض نخست صدور اثر از واجب ضروری است زیرا اگر چنین نباشد، ترجیح صدور معلول بر عدم صدور آن ، نیازمند مرجح زائد است، پس علت همه شرایط موثر بودن را ندارد و این خلاف فرض است.

و در فرض دوم هم صدور اثر از او محال خواهد بود. (زیرا او علت تامه معلول نخواهد بود، چون همه شرایط را ندارد)

و لذا ما علت قادر نمی توانیم داشته باشیم. زیرا علت مفروض ، اگر همه جهات موثر بودن را دارا باشد که ترک فعل ممتنع می باشد و اگر برخی جهات موثر بودن را دارا نباشد، فعل ممتنع می باشد و لذا در هیچ حالی ، قدرت بر دو طرف ترک و فعل یا ایجاد و عدم ایجاد تحقق ندارد. (بلکه هر علتی یا بالضرورة ایجاد می کند یا بالضرورة ترک می کند).

مؤلف پاسخ اشکال را چنین می دهد که : نسبت وجوب و نسبت امکان می تواند به دو اعتبار پراثر عارض شود و صدور معلول از علت میتواند به یک لحاظ ممکن و به لحاظ دیگر واجب و ضروری باشد. و لذا هیچکدام از دوتالی فاسد مذکور هم پیش نمی آید.

پس نه فاعل موجب می شود و نه ترجیح بلا مرجع لازم می آید.

بیان مطلب چنین است که : فرض اینکه علت موثر همه شرایط تاثیر را داشته باشد به آن است که موثر مختار را با قدرتش (که نسبت دو طرف وجود و عدم به آن یکسان است.) و همراه با داعی او (که یکی از دو طرف وجود و عدم را ترجیح می دهد) اخذ و اعتبار کرده ایم. و در این صورت ، پس از در نظر گرفتن قدرت و داعی ، صدور فعل واجب خواهد بود به خاطر وجود قدرت و داعی ، و این وجوب و ضرورت، با امکان فعل با نظر به مجرد قدرت و اختیار ، منافاتی ندارد.

